

بیشترین سوالی که تا حالا از من شده، اینه که چطوری می‌شه برنامه‌ریزی و کنترل پروژه رو یاد گرفت و وارد این کار شد. زودتر از این‌ها می‌بایست چنین راهنمایی رو بنویسم، ولی چون می‌خواستم مطلب کامل و به‌درخوری بنویسم تا الان طول کشیده.

خود من اتفاقی وارد این کار شدم. قبل از این‌که به فکر کار بیفتم، یعنی یک هفته بعد از این‌که دانشجوی لیسانس شدم، موقعیت کاری پیش اومد تو یه واحد برنامه‌ریزی و کنترل پروژه؛ یعنی واحدی که هیچی ازش نمی‌دونستم. حاضر بودن من رو استخدام کنن، چون تو کار با کامپیوتر سریع و مسلط بودم. اینطوری شد که تو یه هفته هرچی کتاب تو این زمینه دستم اومد خوندم و رفتم شروع به کار کردم: فرودگاه بین‌المللی امام.

تو حدود دو سالی که اونجا کار کردم خیلی چیزها یاد گرفتم، در حدی که دیگه می‌تونستم خودم این کار رو ادامه بدم. با این حال هدفم این نبود که شغل آیندم برنامه‌ریزی و کنترل پروژه باشه. کمی که گذشت، مطمئن شدم یکی از بهترین کارهایی که می‌تونم انجام بدم و علاوه بر این‌که توش موفق باشم راضی‌م بکنه، همینه. اینطوری شد که این کار رو تو این 12 سال ادامه دادم و الان هم خیلی راضی‌ام. تو این مدت خیلی چیزها یاد گرفتم و از وضعیتم راضی‌ام، ولی بدون تعارف، شدیداً اعتقاد دارم که خیلی چیزهای دیگه رو هم باید یاد بگیرم.

خوب، بریم سر اصل مطلب. اگه تصمیم گرفتین که تو حوزه برنامه‌ریزی و کنترل پروژه کار کنین، بهتره پیش از شروع کار این چند مهارت رو به دست بیارین:

- مهارتِ خیلی زیاد در اکسل: منظورم از خیلی زیاد، دقیقاً خیلی زیاده. هم قسمت بزرگی از تحلیل‌هایی که انجام می‌دیم تو اکسله و هم بسیاری از ارائه‌ها. هیچوقت فراموش نکنین که ارائه هر کاری مهم‌ترین قسمتشه. این مهارت تقریباً در هر کاری لازمه. هر وقت از من می‌خوان که برای استخدام با کسی مصاحبه کنم، اول سعی می‌کنم بفهمم که مهارتش در کار با اکسل در چه حدیه و بعد به این فکر می‌کنم که تو کاری که باید بکنه به چه نرم‌افزارها و دانش‌های دیگه‌ای نیاز داره.
- یادگیری پراجکت و پریمورا در حد متوسط: به نظر من بهتره که با هر دو نرم‌افزار آشنا باشین. کسانی که منو می‌شناسن می‌دونن که با این عقیده که باید اول پراجکت رو یاد گرفت و بعد برای پیشرفته‌تر شدن رفت سراغ پریمورا به شدت مخالفم. هر دو نرم‌افزار کامل و پیشرفته‌ان، و اگه می‌خوانین تو کار موفق باشین باید هر دو رو بشناسین تا بتونین از تمام فرصت‌های کاری استفاده کنین.

- یادگیری اصول و مبانی برنامه‌ریزی و کنترل پروژه: خوب، این قسمت سخت‌ماجراس. سختیش به اینه که من الان باید می‌تونستم کتاب‌هایی رو معرفی کنم که بخونین و یاد بگیرین، ولی متاسفانه هیچ کتابی به فارسی ندیدم که بتونم توصیه کنم. تو این شرایط تنها چیزی که می‌تونم بگم اینه که کتاب‌های رایجی مثل کتاب شیرمحمدی رو بخونین.

- این می‌شه فاز آماده شدن. بعد از این فاز باید برین دنبال کار. درباره شروع کار هیچوقت سخت‌گیرین؛ اولش احتمالاً هیچی باب میلتون نخواهد بود و حتی ممکنه مجبور باشین کارهای جنبی مختلفی بکنین که براتون لذت‌بخش نباشه یا حتی فکر کنین کسرشان هستن؛ ولی اینطور فکر نکنین. می‌تونین از هر کاری که انجام می‌دین تجربه کسب کنین و به همشون به چشم مقدماتی نگاه کنین که شما رو به هدف نهایی‌تون می‌رسونن. اگه جایی کار کنین که واحد یا گروهی برای برنامه‌ریزی و کنترل پروژه داشته باشه بهتره و پیشرفتتون رو خیلی سریع‌تر می‌کنه. در غیر این صورت باید خودتون تجربه کنین. هر وقت با مسئله‌ای روبرو شدین اون رو سمبل نکنین، تو اینترنت و کتاب‌ها دنبال جواب بگردین و اگه جوابی پیدا نکردین، از کسانی که می‌شناسین پرسین. یکی از این افراد منم، که همیشه از جواب دادن به سوال‌های همکاران خوشحال می‌شم.

یه مشکلی که خیلی‌ها تو مرحله کاریابی دارن، اینه که تمام آگهی‌های استخدام افرادی رو می‌خوان که چند سالی سابقه کار داشته باشن. بله، مشکل از جستجوی شما نیست، آگهی‌ها همیشه اینطوری هستن. روزنامه رو باز کنین و آگهی‌های استخدام مهندسی که سابقه کار ندارن رو بشمرین؛ فکر می‌کنین چنتا باشه؟

یه راه، که البته برای همه مقدور نیست، اینه که کسی اون‌ها رو به جایی معرفی کنه. از اون که بگذریم، راهی که برای همه بازه، کارآموزیه. جایی برای کارآموزی پیدا کنین و حتی بدون حقوق کارتون رو شروع کنین. ولی فراموش نکنین که باید مسئولیت‌پذیر باشین، کارآموز نبودن و حقوق نگرفتن برای مسئولیت‌پذیر نبودن کافی نیست. تو این شرایط معمولاً کسی به درد شرکت‌ها می‌خوره که به قول معروف آچار فرانسه باشه. پس سعی کنین تا جای ممکن آچار فرانسه باشین و تا زمانی که اونجا هستین تو هر کاری که شد به هر کسی که پیدا کردین کمک کنین. اگه تو کارتون علاقه‌مند و مستعد باشین، به احتمال زیاد همونجا بعد از مدتی استخدامتون می‌کنه. اگه هم نکنه، سابقه کار پیدا کردین و بعد از این می‌تونین برین سراغ آگهی‌ها. یادتون باشه که از شرکتی که کارآموزی کردین گواهی بگیرین؛ اگه شد خواهش کنین که در صورتی که از کارتون راضی بودن، این مسئله رو تو گواهی ذکر کنن. گواهی رو وقتی که لازم‌داشتین بگیرین، بلافاصله زمانی که کارتون با شرکت تموم شد بگیرینش. حداقل مدتی که برای کارآموزی معنی داره یک ساله، ولی اگه بتونین بیشترش کنین هم بهتره. اکثر شرکت‌ها برای کارآموزهایی که به دردتون می‌خورن و طولانی مدت تو شرکت کار می‌کنن حقوق مختصری هم در نظر می‌گیرن. حتی می‌تونین در زمان کارآموزی یه فوق‌لیسانسی چیزی هم بگیرین. در این صورت بهتره کارآموزیتون رو در تمام مدت تحصیلات تکمیلی ادامه بدین.

خوب، بعد از این مرحله وارد کار جدی می‌شین. تا اینجا باید تجربه کافی تو کار عملی هم پیدا کرده باشین و بتونین یک تنه کار رو جلو ببرین. همیشه تو کار آموزشی و کار این چند مسئله رو در نظر داشته باشین:

○ دقت: آدمی که دقیق نباشه، محصول کارش قابل اطمینان نخواهد بود. هر وقت کاری انجام می‌دین محصولش رو دوباره کنترل کنین تا اشتباهی توش نباشه. برای این که نتایج رو به دست بیارین از روشی استفاده کردین و آگه برای کنترل هم از همون روش استفاده کنین، احتمالش خیلی زیاده که متوجه اشتباهات احتمالیتون نشین. پس همیشه فکر کنین و روش دیگه‌ای پیدا کنین و با اون نتایج رو کنترل کنین. همیشه محدوده نتایج رو بسنجین؛ فرض کنین درصد پیشرفت واقعی یک ماه رو 8٪ به دست آوردین. ببینین دوره‌های قبل چقدر بوده. آگه دوره‌های قبل همیشه حدود 1٪ بوده، احتمالش زیاده که اشتباه کرده باشین. آگه پروژه بخواد ماهی 8٪ پیشرفت کنه باید حدودا یک ساله تموم بشه؛ پس آگه مدت پروژه 5 ساله، احتمالش زیاده که اشتباهی رخ داده باشه. آگه عدد تو محدوده اعداد مشابهش نیست، علت تفاوت رو جستجو کنین و پیدا کنین. مثلا ممکنه ببینین فلان کاری که وزن بالایی داشته و زمان زیادی نمی‌برده در اون مدت انجام شده. حالا خیالتون تا حدی راحت می‌شه. ولی وقتی باید خیالتون کاملا راحت بشه که مطمئن بشین اون کار واقعا در همون مدت زمان کم انجام شده و اطلاعات ورودی اشکالی نداشته. ممکنه مسئول استخراج اطلاعات خام نباشین، ولی آگه اشتباهی به این خاطر رخ بده، محصول کارتون کلا زیر سوال می‌ره.

○ مسئولیت‌پذیری: این خیلی مهمه. آگه کاری بهتون سپرده می‌شه، تا آخرش انجامش بدین. وقتی کاری رو تا حدی پیش ببرین و بدین به صاحبش، فرق زیادی با وقتی که هیچیش رو انجام نداده باشین نداره، چون اون آدم باید وقت و انرژی زیادی صرف کنه تا بفهمه چیکار کردین و مطمئن بشه که اشتباه نکردین. برای همین که از قدیم گفتن "کار را آن کرد که تمام کرد". وقتی مسئولیت‌پذیر باشین و کارها رو کامل انجام بدین، تبدیل می‌شین به فردی قابل اطمینان که می‌شه بهش اتکا کرد و این زمینه‌ایه برای پیشرفت.

○ پویایی: خیلی وقت‌ها می‌شه کاری رو یک بار انجام داد و عمری به همون شکل تکرارش کرد. در این صورت احتمالا وظیفه‌تون رو انجام دادین، ولی همونجایی که بودین می‌مونین. همیشه می‌شه کارها رو به شکل بهتری انجام داد... باید هر بار که قراره کاری رو تکرار کنین به این فکر کنین که چطوری می‌شه بهتر انجامش داد. این خودش می‌شه عاملی برای پیشرفت.

○ مثبت بودن: خیلی‌ها تو کار گروهی نقش مثبتی ندارند؛ تنش ایجاد می‌کنند، مشکلات کوچک رو بزرگ می‌کنند، از زیر کار در می‌زنند و ... سعی کنین نقطه مقابل این آدم‌ها باشین؛ تنش‌ها رو از بین ببرین، فضای کاری رو دلپذیرتر کنین، مشکلات رو حل کنین و ... آدم مثبتی باشین!

○ خوب، بعد از مدتی باید برین سراغ مهارت‌های تکمیلی:

▪ تکمیل مهارت‌هاتون در پراجکت و پریمورا: این برنامه‌ها پیچیده هستن، مدت‌ها طول می‌کشه کاملاً بهشون مسلط بشین. کتاب‌های زیادی برای یادگیری پیشرفته این نرم‌افزارها هست که باید همشون رو شخم بزنین!

▪ مطالعه کتاب‌های انگلیسی مدیریت پروژه: خوشبختانه می‌تونین این کتاب‌ها رو از اینترنت دانلود کنین.

▪ یادگیری پم‌باک (PMBOK) ممکنه زیاد کاربردی نباشه، ولی به هر حال باید یادش بگیرین. اگه حوصله داشته باشین می‌تونین مدرک PMP هم بگیرین، برای رزومتون خوبه.

▪ یادگیری مسایل حقوقی پروژه‌ها: براتون عجیبه؟ این اطلاعات تو کار خیلی به درد می‌خورن.

▪ یادگیری مسایل مالی و اداری پروژه‌ها: خوبه، هرچی باشه اقتصاد زیربناس، تاثیر زیادی هم روی مسایل مدیریتی داره. هرچی بیشتر بلد باشین بهتره.

▪ یادگیری مسایل اجرایی پروژه‌هایی که باهاشون سروکار دارین: مثلاً اگه با پروژه‌های ساختمونی سروکار دارین، باید با روند ساخت آشنا بشین. مدت زمانی رو به گشت زدن تو کارگاه و کسب اطلاعات از مهندسین اجرایی و به خصوص تکنسین‌ها اختصاص بدین.

▪ فضولی: منظورم اون فضولی نیست... فضولی تو کارهای مختلفیه که تو شرکت انجام می‌شه. از هر کدوم یه چیزهایی یاد بگیرین، یه جایی به دردتون می‌خوره.

در آخر یه توصیه مهم:

با زیاد از حد کار کردن نمی‌شه موفق شد!

به اندازه کافی استراحت کنین، زیاد تفریح کنین، هر روز حداقل دو ساعت رو صرف یادگیری مطالب جدید کنین. فراموش نکنین دوران جوانی با این‌که بهترین زمان برای پیشرفته، بهترین زمان برای لذت بردن از زندگی هم هست و موفقیت‌های کاری هم در نهایت برای اینن که از زندگی بیشتر لذت ببریم.



[www.alisamadi.blog.ir](http://www.alisamadi.blog.ir)  
[ali\\_samadi71@yahoo.com](mailto:ali_samadi71@yahoo.com)